

Meta-Analysis of Pathological Approach in Foreign Policy Researches of Islamic Republic of Iran

Sedigheh Sheikhzadeh Joushani

Corresponding Author, Assistant Professor of Political Science (Iranian Studies), Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran. (ssheikhzadeh@uk.ac.ir)

Yahya Kamali

Associated Professor of Public Policy, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran. (yahyakamali@uk.ac.ir)

Mahdiey Doosthoseini

Master of Political Science, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran. (doosthosseinimahdiye@gmail.com)

Abstract

There is a dynamic approach in the field of analyzing foreign policy-making of the Islamic Republic of Iran, which we have called it as the Pathological Approach. From this point of view, the researchers describe the current situation in the first step. Then, they seek to recognize the pathologies influencing the foreign policy-making process and finally, recommend policy advices intend to help policymakers that to reduce the rate of incorrect decisions. In order to identify and introduce this approach systematically, this paper has selected 8 analysts who are well known in the field of foreign policy analysis of I. R. of Iran and has conducted a Qualitative Meta-Analysis. The sample is 17 texts of them following a single theme as “Evaluating diplomatic apparatus performance of the Islamic Republic of Iran”. The findings indicate that there are three groups of Pathogenicity factors including perceptual/cognitive, institutional/structural and environmental/societal pathologies that influence foreign policy-making process of Islamic Republic of Iran. Authors have concluded that identified approach is affected by assumptions of the Rational Actor Model, as a model of foreign policy decision- making.

Keywords: *Meta-Analysis; Pathological Approach; Pathogenicity factors; Cognitive Pathologies; Institutional Pathologies; Environmental Pathologies; Foreign Policy of The Islamic Republic of Iran*

فرا تحلیل رویکرد آسیب‌شناسانه در پژوهش‌های سیاست

خارجی ج.ا. ایران^۱

صدیقه شیخ‌زاده جوشانی

نویسنده مسئول، استادیار علوم سیاسی (گرایش مسائل ایران)، دانشگاه شهید باهنر کرمان،
کرمان، ایران. (ssheikhzadeh@uk.ac.ir)

یحیی کمالی

دانشیار سیاست‌گذاری عمومی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.
(yahyakamali@uk.ac.ir)

مهديه دوست حسینی

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.
(doosthosseinimahdiye@gmail.com)

چکیده

یکی از رویکردهای پویا در پژوهش‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، رویکردی آسیب‌شناسانه است. از منظر این رویکرد، پژوهشگران ضمن شناسایی عوامل آسیب‌زا که منجر به تصمیمات نادرست و درنهایت، ناکامی در سیاست خارجی می‌شوند، درصددند تا با ارائه توصیه‌های سیاستی از دامنه این تصمیمات بکاهند. از این رو، مقاله حاضر کوشیده است با فراتحلیل هفده پژوهش منتشرشده در بازه زمانی ۱۴۰۰-۱۳۷۰، رویکرد آسیب‌شناسانه آن‌ها از سیاست‌گذاری خارجی ج.ا.ایران را ترکیب و یکپارچه‌سازی

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز/ <http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/> است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۴؛ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۱/۰۸/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۸

کند. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر در پاسخ به این سؤال اصلی تنظیم شده است که «آسیب‌ها و عوامل آسیب‌زای سیاست‌گذاری خارجی ج.ا.ایران بر اساس پژوهش‌های منتشر شده در بازه زمانی ۱۳۷۰-۱۴۰۰ کدامند؟ یافته‌های فرا تحلیل حاضر نشان می‌دهد، در رویکرد آسیب شناسانه پژوهش‌ها، عوامل آسیب‌زای مؤثر بر سیاست‌گذاری خارجی ج.ا.ایران در سه دسته: شناختی، نهادی و محیطی شناسایی شده‌اند.

واژه‌های کلیدی: فراتحلیل؛ رویکرد آسیب شناسانه؛ عوامل آسیب‌زا؛ آسیب‌های شناختی؛ آسیب‌های نهادی؛ آسیب‌های محیطی/اجتماعی؛ سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران

مقدمه

«سیاست خارجی»^۱ به «کنش‌های معنادار و هدف‌دار دولت‌ها» نسبت به محیط خارجی اطلاق می‌شود که تحت تأثیر «تعاملات گوناگون ساختارهای داخلی و محدودیت‌های ناشی از محیط خارجی» شکل می‌گیرند (هیل، ۱۳۸۷، ص. ۴۸). چارلز اف. هرمان^۲، دانشور روابط بین‌الملل و سیاست خارجی، با تمایزگذاری بین «سیاست خارجی» و «رفتار سیاست خارجی»، سیاست خارجی را «توسعه و تعقیب آگاهانه اهداف ترجیحی یک کنشگر سطح دولت از طریق استفاده گزینشی رفتار سیاست خارجی» می‌داند، درحالی‌که «رفتار سیاست خارجی، کنش هدفمند ناشی از اجرای انتخاب‌های اتخاذشده توسط افراد دارای اقتدار باهدف تحت تأثیر قرار دادن ایستارها، باورها و یا اقدامات کنشگران بین‌المللی» است (Hermann, 2021, p. 274). در این تعریف، سیاست خارجی اعم از رفتار سیاست خارجی فرض شده و رفتار سیاست خارجی، خروجی دستگاه دیپلماسی است که طی یک فرآیند ذیل عنوان «سیاست‌گذاری خارجی»^۳ شکل می‌گیرد. از آنجا که رفتار سیاست خارجی دولت‌ها نقش مهمی در حیات و امور بین‌المللی

¹. Foreign Policy

². Charles F. Hermann

³. Foreign Policy Making

آن‌ها ایفا می‌کند، چگونگی و کیفیت فرآیند سیاست‌گذاری خارجی اهمیت می‌یابد. آن دسته از رفتارهای سیاست خارجی که حاصل یک فرآیند سیاست‌گذاری نامناسب باشند، می‌توانند موجب به خطر انداختن حیات یک کشور شوند. همچنین موجب می‌شوند تا یک دولت جایگاه خود را در نظام بین‌المللی از دست بدهد و در نتیجه، نتواند اهداف و منافع ملی اساسی‌اش را تحقق بخشد. از این‌رو، «یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها در حوزه سیاست‌گذاری خارجی، مسئله تصمیم‌گیری‌های نادرست یا افتادن به دام تله‌های تصمیم‌گیری است، یعنی تصمیمی که به احتمال زیاد در اجرا منجر به نیل به اهداف نشود یا حتی نتایج آن از نظر اهداف منفی باشد یا به نحوی تأثیرات منفی مخربی برای کنشگر به دنبال داشته باشد. بر این اساس، تأکید می‌شود که تصمیمات نادرست و «غیرعقلانی» در جهت‌گیری‌های سیاست‌گذاری خارجی فراوان‌اند» (مشیرزاده، ۱۳۹۶، ص. ۱۰). بر پایه این نگاه، برخی پژوهش‌های سیاست خارجی تمرکز خود را بر آسیب‌شناسی فرآیند سیاست‌گذاری خارجی قرار داده‌اند، گرچه به اعتقاد دیوید بالدوین، ورود به این رویکرد اساساً به اصحاب رسانه واگذار شده است تا به دانشوران حوزه سیاست خارجی (Baldwin, 2000).

حوزه پژوهش سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک حوزه پویا در محافل دانشگاهی است که اگرچه هم در امر پژوهش و هم تحلیل، تحت تأثیر رهیافت‌های نظری رشته روابط بین‌الملل است تا حوزه تحلیل سیاست خارجی^۱، اما علاقه‌مندی و توجه دانشگاهیان از هر دو حوزه بر غنای نظری و تجربی آن افزوده است. بنابر ادعای پژوهش حاضر، یکی از رویکردهای غالب در پژوهش‌های

^۱. Foreign Policy Analysis

سیاست خارجی ج.ا.ایران «رویکرد آسیب‌شناسانه»^۱ است. به نظر می‌رسد یک رویکرد آسیب‌شناسانه از یک پدیده، اغلب رویکردی هنجاری^۲ - تجویزی^۳ و ارزیابانه^۴ باشد، بدین معنا که پژوهشگر در بررسی خود از یک پدیده، تمرکز اصلی را بر ارائه تصویری از وضعیت مطلوب آن پدیده - آن‌گونه که باید باشد، در کنار توصیفی از وضعیت موجود آن، آن‌گونه که هست، قرار می‌دهد؛ بنابراین، نگریستن به یک پدیده از لنز رویکرد آسیب‌شناسانه صرفاً حالتی دیاگنوستیک (تشخیص مرض) نیست، بلکه با پیش‌فرض قرار دادن تعریفی از وضعیت مطلوب از یک پدیده، وضعیت موجود آن را بررسی می‌کند و آن را غیرعادی و نامطلوب تشخیص می‌دهد. در واقع، رویکرد آسیب‌شناسانه علاوه بر توصیف چستی یک پدیده به بایستگی (چگونه باید بودن) آن نیز می‌پردازد. بر پایه این نگاه، بخشی از آثاری که در حوزه تحلیل سیاست خارجی نگاشته می‌شوند، تلاش دارند مسئله خود را بر آسیب‌شناسی فرایند سیاست‌گذاری خارجی متمرکز کنند تا از این طریق، دغدغه‌مندی عملی خود را نسبت به بهبود فرایند سیاست‌گذاری خارجی با خواننده و سیاست‌گذاران به اشتراک بگذارند.

در حوزه پژوهش سیاست خارجی ج. ا. ایران نیز برخی پژوهشگران با این فرض که «دستگاه دیپلماسی دولت ج. ا. ایران متأثر از برخی عوامل آسیب‌زا در فرایند سیاست‌گذاری، در تحقق اهداف موردنظر موفق نبوده است»، کوشیده‌اند با تمرکز بر برخی ابعاد و یا سیاست‌های موردی خاص، در پژوهش‌های مستقل و در بسیاری

2. Pathological approach

3. normative

4. prescriptive

5. evaluative

موارد در حاشیه پژوهش‌ها، فرایند سیاست‌گذاری خارجی این دولت را آسیب‌شناسی و شناسایی و یکپارچه‌سازی آسیب‌ها و عوامل آسیب‌زا از منظر نمونه آماری هدفمندی از پژوهش‌های حوزه سیاست خارجی ج.ا.ایران، هدفی است که پژوهش حاضر در پی آن بوده است. از این رو، مقاله حاضر کوشیده است با بهره‌گیری از روش فراتحلیل و انتخاب هدفمند هفده پژوهش منتشرشده در بازه زمانی ۱۴۰۰-۱۳۷۰، رویکرد آسیب‌شناسانه پژوهشگران را شناسایی، ترکیب و یکپارچه‌سازی کند. بر این اساس، پرسش اصلی فراتحلیل حاضر عبارت از این است که: آسیب‌ها و عوامل آسیب‌زای سیاست‌گذاری خارجی ج.ا.ایران بر اساس پژوهش‌های منتشرشده در بازه زمانی ۱۳۷۰-۱۴۰۰ کدامند؟ همچنین سازمان‌دهی مقاله حاضر به‌گونه‌ای است که در بخش نخست، پیشینه موضوع و پس از آن در بخش دوم، روش‌شناسی پژوهش تشریح شده است. در بخش سوم و چهارم، به ترتیب چارچوب مفهومی پژوهش و در ادامه، یافته‌های پژوهش موردبحث قرار گرفته است. در نهایت، در قسمت نتیجه‌گیری یک ارزیابی نهایی از رویکرد موردبحث پژوهش ارائه شده است.

۱. پیشینه پژوهش

همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، برخی پژوهشگران حوزه سیاست خارجی ج.ا.ایران کوشیده‌اند بر پایه ضرورت‌های نظری و یا کاربردی، فرایند سیاست‌گذاری خارجی این دولت را آسیب‌شناسی کنند. پژوهش حاضر به اقتضای هدف پژوهش، یعنی فراتحلیل آسیب‌ها و عوامل آسیب‌زای سیاست‌گذاری خارجی ج.ا.ایران، دو دسته از این پژوهش‌ها را شناسایی کرده است: نخست، آثاری که تمرکز خود را به‌طور مشخص بر آسیب‌شناسی بخشی از فرایند سیاست‌گذاری خارجی از تعریف و تنظیم

مسئله، تدوین تا اجرا (شامل برون‌دادهای استراتژی، خرده-استراتژی، اهداف و ابزارهای تحقق اهداف، نقش ملی و کنش‌های ویژه) و یا یک مسئله خاص قرار داده‌اند؛ دسته دوم، آثاری که به‌صراحت به موضوع آسیب‌شناسی نپرداخته‌اند، بلکه در حاشیه مسئله اصلی پژوهش خود کوشیده‌اند ضمن شناسایی چالش‌ها، ارزیابی خود را از فرآیند کلی یا بخشی از فرآیند سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران ارائه کنند. دسته اخیر که جامعه آماری فراتحلیل حاضر را دربر می‌گیرند، آثاری هستند که تلاش دارند از منظری کلی و عام، سیاست‌گذاری خارجی ج.ا. ایران را آسیب‌شناسی کنند. این دسته از پژوهش‌ها اغلب بر اساس ضرورت‌های کاربردی، رویکرد آسیب‌شناسانه خود را به‌جای تمرکز بر مطالعات موردی، به کلیت فرایند سیاست‌گذاری خارجی ج.ا. ایران معطوف ساخته‌اند. در اینجا به برخی از این آثار اشاره می‌کنیم.

«نخبگان سیاسی و صورت‌بندی گفتمانی، اعتدال در سیاست خارجی ج.ا. ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۲)» (قیصری و همکاران، ۱۴۰۰)، عنوان مقاله‌ای است که در آن نویسندگان با تمرکز بر گفتمان اعتدال‌گرایی به‌عنوان خرده گفتمان مسلط در دولت‌های یازدهم و دوازدهم، به بررسی و ارزیابی سیاست خارجی این دولت پرداخته‌اند. بر اساس ارزیابی نویسندگان، در عرصه سیاست خارجی دولت روحانی که بستر اصلی گفتمان مذکور بوده است، توازن و میانه‌روی چندان محل توجه نبوده است؛ به‌گونه‌ای که در این دوره، رابطه با غرب، در مرکز راهبرد سیاست خارجی قرار گرفت و در نتیجه، رابطه با کشورهای آسیایی، آفریقایی و به‌ویژه آمریکای لاتین از دستورکار دولت خارج شد. «آسیب‌شناسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر نهادگرایی» (اسلامی و اکبری، ۱۳۹۹) عنوان مقاله دیگری است که در

ذیل دسته نخست از دسته‌بندی فوق قرار می‌گیرد. در این اثر نویسندگان دریافته‌اند که عدم رعایت الزامات نهادی به‌عنوان یک عامل آسیب‌زا، موجب پیچیدگی در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی و در نتیجه، عدم دستیابی به اهداف ملی شده است. در اثری دیگر، ذیل عنوان «ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی نظام (۱۳۸۴-۱۳۸۸)» (علوی، ۱۳۹۵)، نویسنده دریافته است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران طی دوره چهارساله اول دولت نهم با اهداف چشم‌انداز بیست‌ساله منطبق نبوده است که از منظر آسیب‌شناسانه این اثر، علت آن را باید در اتخاذ رویکرد تهاجمی و ماجراجویانه توسط این دولت، همراه با برخی موضع‌گیری‌های نادرست و گرایش به آرمان‌گرایی ذهنی بیش از واقع‌گرایی در سیاست خارجی جستجو نمود. «اقتصاد سیاسی در سیاست خارجی ج.ا.ایران؛ تأکید بر سیاست خارجی دولت توسعه‌گرا» (اسلامیان و حبیبی، ۱۳۹۹)، عنوان مقاله‌ای است که در آن نویسندگان از منظر اقتصاد سیاسی و الگوی «سیاست خارجی دولت توسعه‌گرا» به بررسی و ارزیابی عملکرد دولت‌های ج.ا.ایران در بازه زمانی ۱۳۹۷-۱۳۶۸ پرداخته‌اند. بر اساس ارزیابی نویسندگان از وضعیت موجود سیاست‌گذاری خارجی ج.ا.ایران، دولت توسعه‌گرا و سیاست خارجی توسعه‌گرا، حلقه مفقوده سیاست خارجی ج.ا.ایران است که به اعتقاد نویسندگان دستیابی به وضعیت مطلوب، «مستلزم تغییر در اولویت‌ها جهت‌گیری‌های سیاست خارجی از آرمان‌گرایی و ایدئولوژی محوری به سیاست خارجی عمل‌گرا و اقتصادمحور است». همچنین قریب و ضمیریان در مقاله‌ای با عنوان «الزامات دینی و تأملات عقلانی در سیاست‌گذاری خارجی مطالعه موردی: اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران» (۱۳۸۹) از منظری مشابه (اقتصاد

سیاسی) به تحلیل ناکارآمدی سیاست‌گذاری خارجی ج.ا. ایران پرداخته‌اند. نویسندگان در پاسخ به این سؤال که چه نوع عقلانیتی برای سیاست‌گذاری خارجی ج.ا. ایران در عرصه «اقتصاد سیاسی» مناسب است؟ دریافته‌اند که کاستی‌هایی در حوزه عدم تناسب سازی بین اهداف و روش‌ها و فرایند مزیت‌سازی رخ داده است. از این رو، درک شرایط و وضعیت درون و بیرون محیطی کشور در نزد نخبگان سیاسی و در پیش گرفتن گزینه مشارکت فعالانه و تعامل جهانی از سوی سیاست‌گذاران خارجی به‌عنوان رکن اصلی عقلانیت مناسب محسوب می‌شود. همچنین «آسیب‌شناسی ساختاری دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران» (خادم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹)، «آسیب‌شناسی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایران: مطالعه موردی برنامه هسته‌ای ایران» (ساجدی و خوشینانی مطهری، ۱۳۹۲) و «چالش‌های گفتمان سیاست خارجی ایران در راستای دگرگشت نوپدید در سامانه ژئوپلیتیک جهانی» (متقی و قره بیگی، ۱۳۹۳) از جمله آثاری هستند که به‌طور موردی به آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری خارجی ج.ا. ایران پرداخته‌اند.

در دسته دوم از آثار شناسایی‌شده، پژوهشگران بدون تمرکز بر موردی خاص از مسائل و مراحل سیاست‌گذاری خارجی دوره ج.ا. درصد بوده‌اند تا از منظری کلی‌تر سیاست‌گذاری خارجی این دوره را آسیب‌شناسی کنند. از جمله این آثار می‌توان به مقاله‌ای با عنوان «چالش‌های نظری و عملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» (نقیب‌زاده، ۱۳۸۸) اشاره کرد که در آن نویسنده باهدف تبیین چالش‌های نظری و عملی سیاست ج.ا. ایران معتقد است: «یکی از نقصان‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران فقدان یک چارچوب نظری مدون و شفاف است، ولی بر اساس یک‌چشم انداز، دو محور ممنوعیت از ورود به اتحادیه‌های

نظامی یا اتحاد با قدرت‌های خارجی از یک‌سو و گرایش به وحدت با جوامع اسلامی و ایجاد یک جبهه متحد از مسلمانان قابل تفکیک است که یکی سلبی و دیگری ایجابی است که جنبه‌های سلبی با روحیات ایرانی بیشتر سازگاری دارد». نویسندگان در این پژوهش نتیجه می‌گیرند که «اگر قرار باشد اصلاحاتی در سیاست خارجی ایران شکل بگیرد، از نوع سیاسی و دیپلماتیک نبوده، باید در حوزه ذهنیات اصلاحاتی به وجود بیاید، مانند قبول واقعیت روابط بین‌الملل و قدرت محوری آن، وداع با اندیشه سپاه‌سفید یا دوست و دشمن، توجه به نظریه‌ها و اصول روابط بین‌الملل». اثری دیگر از این دست، مقاله‌ای است با عنوان «عوامل و روند برگشت‌پذیری در سیاست خارجی ایران» (متقی، ۱۳۸۷) که در آن نویسنده «ایدئولوژی‌زده شدن سیاست خارجی ج.ا.ایران» را به‌عنوان یک آسیب توصیف می‌کند که به باور وی متأثر از عامل آسیب‌زای «ورود توده‌گرایی به سیاست خارجی» است. آثاری از سریع‌القلم (۱۳۶۷؛ ۱۳۷۹؛ ۱۳۸۱)، نقیب‌زاده (۱۳۷۸؛ ۱۳۸۴؛ ۱۳۸۵) و ... در این دست از پژوهش‌ها قرار دارند.

پژوهش حاضر باهدف شناسایی و دسته‌بندی آسیب‌ها و عوامل آسیب‌زای عام سیاست‌گذاری خارجی ج.ا.ایران، تمرکز خود را بر فراتحلیل دسته‌آخر از پژوهش‌های آسیب‌شناسانه گذاشته است. از این‌رو، آنچه پژوهش حاضر را از ادبیات پیشین متمایز می‌سازد، تأکید آن بر ترکیب و یکپارچه‌سازی رویکردهای آسیب‌شناسانه موجود در هفده پژوهش سیاست خارجی ایران است که اگرچه یافته‌های حاصله، محدودیت تعمیم‌پذیری دارد، اما مطالعه کوشیده است با تمرکز بر ترکیب این پژوهش‌ها، جایگاه رویکرد آسیب‌شناسانه موجود در ادبیات سیاست‌گذاری خارجی ج.ا.ایران را برجسته سازد.

۳. چارچوب مفهومی پژوهش

علم پاتولوژی^۱ به معنای آسیب‌شناسی، بیماری‌شناسی و تشخیص علل آسیب‌های وارده بر سیستمی مشخص (مورد مطالعه) است. این مفهوم به‌طور گسترده در علوم زیستی و پزشکی کاربرد دارد، اما در علوم انسانی نیز به کار گرفته شده است. تمام مطالعاتی که در جهت آشکارسازی عیوب و عوامل آسیب‌زای سیستم خاصی قدم بردارند، در حیطه علم آسیب‌شناسی قرار دارند. آسیب‌شناسی با مشاهده عوارض آسیب آغاز می‌شود که نیازمند نگرش سیستماتیک به‌کل فرایند است و هدف آن تشخیص ماهیت و نوع مسئله‌ای است که بروز نموده و نیاز به حل دارد (شمس مورکانی و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۷۶)؛ به عبارت دیگر، آسیب‌شناسی فرآیندی است نظام‌مند از جمع‌آوری داده‌ها به‌منظور تعامل اثربخش و سودمند در راستای حل مشکلات، چالش‌ها، فشارها و محدودیت‌های محیطی در اجتماع (جان پرور و حیدری موصول، ۱۳۹۰، ص. ۱۴۶).

در ادبیات نظری سیاست‌گذاری خارجی ج.ا. ایران به‌طور مشخص به موضوعی ذیل «رویکرد آسیب‌شناسانه» اشاره نشده است، اما برخی پژوهشگران اهمیت و ضرورت پرداختن به این موضوع را دریافته و تلاش‌هایی را انجام داده‌اند. مشیر زاده در مقاله‌ای ذیل عنوان «آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری خارجی: مبانی نظری» (۱۳۹۶)، کوشیده است با شناسایی عوامل آسیب‌رسان تصمیم‌گیری سیاست خارجی از منظر رهیافت‌های نظری روابط بین‌الملل و سیاست خارجی (نگرش واقع‌گرایانه، سازمانی و ادراکی)، الگویی نظری از تصمیم‌گیری بهینه عقلانی ارائه دهد. پیش از آن، دهشیار در متنی با عنوان «چارچوب تئوریک سیاست خارجی موفق» (۱۳۸۱)، بدون اشاره

۱. Pathology

به نگاه آسیب شناسانه، پیش شرط‌های ضروری آنچه را که وی «فرایند شکل‌گیری سیاست خارجی موفق» توصیف می‌کند، ارائه کرده است. در پژوهش حاضر، رویکرد آسیب شناسانه به منظری در پژوهش‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دلالت دارد که ضمن توصیف وضعیت موجود، درصدد است، با شناسایی عوامل آسیب‌زا که منجر به تصمیم‌گیری نادرست و درنهایت، ناکامی در سیاست خارجی می‌شوند، از دامنه تصمیمات نادرست بکاهند.

۲. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های مروری، با تمرکز بر روش فراتحلیل است. روش فراتحلیل در زیرمجموعه مطالعات نظام‌یافته قرار می‌گیرد. در زبان فارسی، فراتحلیل از دو واژه مرکب فرا به معنی بالاتر یا ماوراء و تحلیل به معنی شکستن یک کل برای رسیدن به اجزای آن است (قربانی زاده و دیگران، ۱۳۹۱، ص. ۸). به‌عنوان یک روش، فراتحلیل با ترکیب و یکپارچه‌سازی پژوهش‌های اولیه باعث می‌شود یافته‌های نامناسب مشخص شوند و یافته‌های جدیدی را که مطالعات اولیه و انفرادی نشان نداده‌اند، شناسایی و نواقص پژوهش‌ها را به‌خوبی نشان و خلأهای آن‌ها را آشکار کنند (ذاکر صالحی، ۱۳۸۶، ص. ۱۲۰). فراتحلیل کیفی هدفش یکپارچه کردن نتایج مطالعات کیفی است که در گذشته مورد پژوهش قرار گرفته‌اند. این فراتحلیل به توسعه فرضیه‌های متوسط کمک می‌کند و با روی هم ریزی یافته‌ها از آن‌ها فرضیه‌های جدید و قوی‌تری می‌سازد (صالحی و قانع‌ی راد، ۱۳۹۴، ص. ۳۷).

پژوهش حاضر به اقتضای هدف، از روش فراتحلیل کیفی بهره گرفته است. در فرایند اجرای پژوهش، در گام نخست، هشت پژوهشگر دانشگاهی فعال در حوزه پژوهش سیاست ج.ا.ایران که در آثار خود دغدغه‌های عملی را لحاظ کرده‌اند،

انتخاب و سپس در پایگاه داده‌های علمی پرتال جامع علوم انسانی-پدیدآورندگان، آثار آن‌ها در بازه زمانی ۱۴۰۰-۱۳۷۰ با کلیدواژه‌های «سیاست خارجی ایران» و «سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران» مورد بررسی اولیه قرار گرفت که در نهایت، از مجموع بیست اثر انتخاب‌شده، هفده اثر در قالب مقاله علمی، بر اساس معیارهای دوگانه: ۱- شکلی با شاخص: تعداد نویسندگان- انتخاب آثار انفرادی و ۲- محتوایی با شاخص: «تمرکز پژوهشگر بر آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری خارجی ایران به‌طور کلی» در فراتحلیل وارد شدند. هدف نویسندگان از معیار درون‌گنجی نخست، گزینش پژوهش‌های مستقل متعلق به پژوهشگران دانشگاهی‌ای بوده است که در حوزه سیاست خارجی ایران دارای ماندگاری اثر و شناخته‌شده هستند. همچنین هدف از درون‌گنجی آثار با معیار رویکرد کلی و عام، شناسایی و دسته‌بندی عوامل آسیب‌زای پایداری بوده است که قابل‌تعمیم به فرایند سیاست‌گذاری خارجی ج.ا.ایران طی بازه زمانی طولانی هستند. از این‌رو، در بررسی اولیه، بر اساس معیارهای درون‌گنجی^۱، آثاری از پژوهشگران انتخابی که دارای دو نویسنده و بیشتر بوده و بر ارزیابی سیاست خارجی موردی و خاص از موضوعات سیاست خارجی ج.ا.ایران متمرکز بوده‌اند، کنار گذاشته شدند.^۲

۴. یافته‌های پژوهش

یافته‌های فراتحلیل حاضر نشان می‌دهد که رویکرد آسیب‌شناسانه پژوهشگران مورد بررسی از سیاست‌گذاری خارجی ج.ا.ایران طی یک فرایند سه مرحله‌ای صورت می‌گیرد. در مرحله اول، پژوهشگران به توصیف وضعیت موجود

1. included

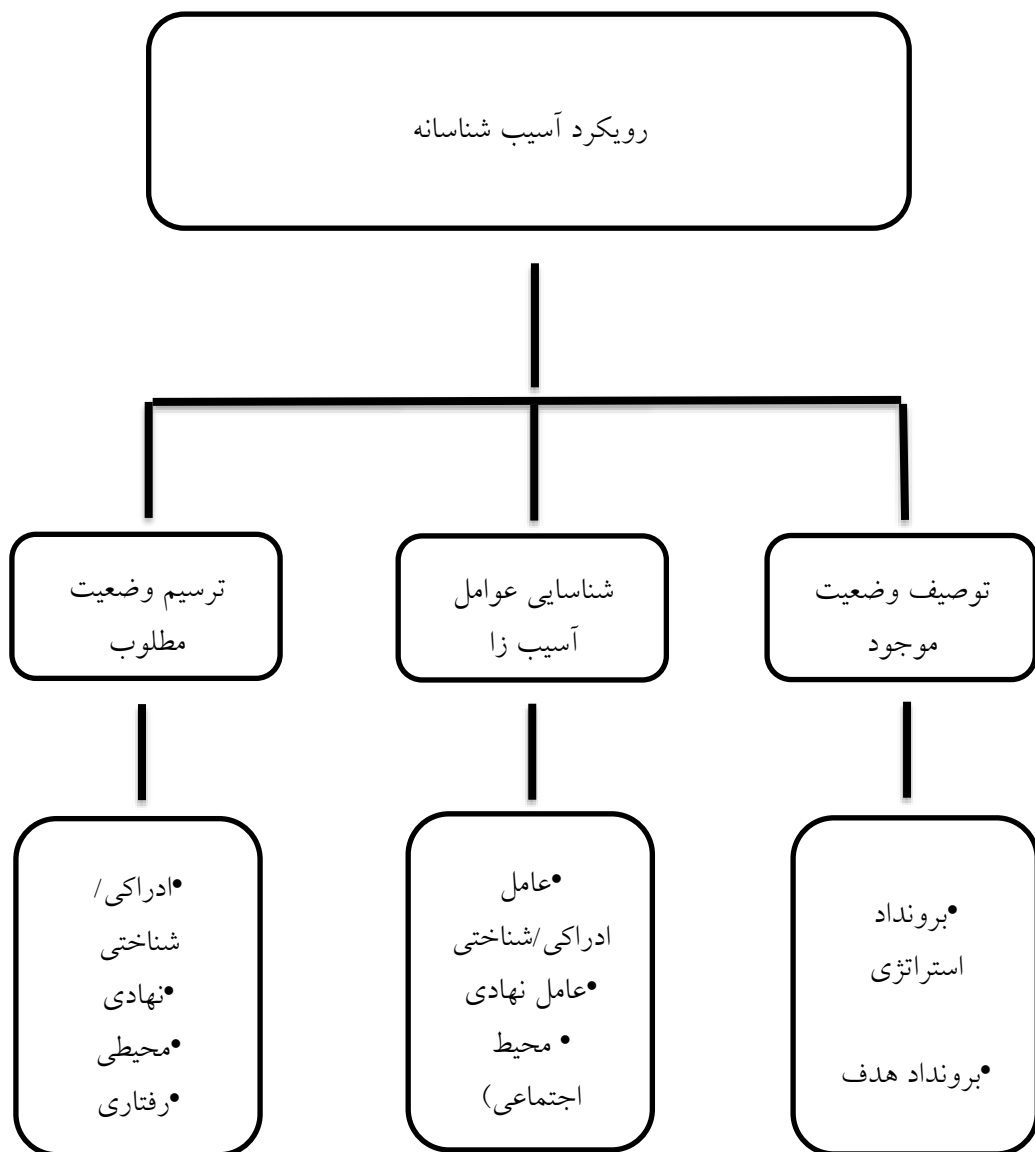
2. excluded

سیاست‌گذاری خارجی ج.ا.ایران اقدام می‌کنند و در این توصیف، تمرکز خود را بر ارزیابی برون‌دادها قرار می‌دهند. در گام دوم، پژوهشگران تمرکز خود را بر شناسایی عواملی قرار می‌دهند که از نگاه آن‌ها موجب آسیب‌زایی وضع موجود هستند. در اینجا، بین «آسیب‌ها» و «عوامل آسیب‌زا» باید تفاوت قائل شد. در رویکرد آسیب‌شناسانه پژوهشگران موردبررسی، آسیب‌ها به وضعیت و نشانه‌های نامطلوب در رفتار سیاست خارجی اشاره دارند، درحالی‌که عوامل آسیب‌رسان، علت هستند. به‌طور مثال، در عبارت: «عدم شفافیت منافع ملی، حاصل فقدان گفتمان سیاست خارجی واحد، اختلاف‌نظر و کشمکش نخبگان و تصمیم‌گیرندگان است» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۱، صص. ۲۱-۲۰)، «عدم شفافیت منافع ملی»، به‌عنوان یک آسیب، ناشی از عامل آسیب‌زای «فقدان گفتمان واحد و اختلاف‌نظر نخبگان تصمیم‌گیر سیاست خارجی» ارزیابی شده است.

در گام نهایی از آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری خارجی، پژوهشگران پس از توصیف آسیب‌ها و شناسایی عوامل آسیب‌زا، باهدف کمک به بهبود کیفیت سیاست‌گذاری، اقدام به ترسیم وضعیت مطلوب می‌کنند. در شکل زیر، اجزای سه‌گانه رویکرد آسیب‌شناسانه نمایش داده شده است.

شکل ۱. اجزای رویکرد آسیب‌شناسانه در پژوهش‌های سیاست خارجی

ج.ا. ایران



منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۱. توصیف وضعیت موجود

جدول ۱: فراتحلیل آسیب‌های رفتاری در پژوهش‌های سیاست خارجی

ج.ا.ایران

فراوانی	نمونه داده	متغیرها	وضعیت موجود/آسیب‌ها
۲	«یکی از نقصان‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی فقدان یک چهارچوب نظری مدوّن و شفاف یا دست‌کم یک دکتترین مشخص بود» (نقیب‌زاده ۱۳۸۸: ۳۶)؛ «یکی دیگر از ضعف‌های وزارت خارجه ما نداشتن استراتژی است» (هادیان، ۱۳۷۹، ص. ۲۱).	فقدان یک استراتژی مشخص و منسجم	برونداد استراتژی

۲	<p>«... بین عضویت در سازمان تجارت جهانی با مبارزه با آمریکا باید یکی را انتخاب کرد. این نشان‌دهنده تناقض است...» (سریع القلم، ۱۳۸۱، ص. ۷۱)؛ «انرژی سیاست خارجی کشور عمدتاً صرف دو هدف و اولویت شده است: تأمین امنیت ملی و صیانت از نظام سیاسی ج.ا. ایران ... سیاست خارجی ایران ... عمدتاً در دو ریل مختلف حرکت می‌کند» (سریع القلم، ۱۳۹۰، صص. ۶۴: ۶۷).</p>	<p>اهداف متعارض و نامتوازن؛</p>	<p>برونداد هدف</p>
۱	<p>«عدم شفافیت منافع ملی حاصل فقدان گفتمان سیاست خارجی واحد، اختلاف نظر و کشمکش نخبگان و تصمیم‌گیرندگان است...» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۱، صص. ۲۱-۲۰).</p>	<p>عدم شفافیت اهداف</p>	

منبع: یافته‌های پژوهش

کی. جی هالستی، دانشور روابط بین‌الملل، با تعریف «بروندادهای سیاست خارجی؛ به‌عنوان پدیده‌هایی که فراتر از مرزهای ملی می‌روند، آن‌ها را از لحاظ دامنه از عام به خاص به چهار جزء تقسیم می‌کند: ۱. استراتژی‌ها یا سمت‌گیری‌های سیاست خارجی؛ ۲. نقش‌های ملی؛ ۳. اهداف و ابزارهای تحقق اهداف و ۴. اعمال یا کنش‌های سیاست خارجی» (هالستی، ۱۳۷۶: ۱۶۴). «درحالی‌که استراتژی، به ایستارها و تعهدات کلی یک دولت در برابر محیط خارجی اشاره دارد، برونداد اهداف، انعکاس نیازها و مقاصدی هستند که دولت‌ها می‌کوشند با اتخاذ تدابیر و اقدامات گوناگون به آن‌ها دست یابند» (همان، ۲۱۱).

طبق داده‌های جدول شماره (۱)، از مجموع پنج آسیب رفتاری مرتبط با فرایند

سیاست‌گذاری خارجی، دو مورد به برونداد استراتژی با متغیر «فقدان یک استراتژی مشخص و منسجم» (با فراوانی ۲ مورد) و سه مورد به برونداد هدف با متغیرهای «اهداف متعارض و نامتوازن» (با فراوانی ۲ مورد) و «عدم شفافیت اهداف» (با فراوانی یک مورد) اختصاص یافته است.

یافته‌ها نشان می‌دهد، در آثار نقیب‌زاده (۱۳۸۸)، سیف‌زاده (۱۳۸۴) و هادیان (۱۳۷۹) بر «فقدان یک استراتژی مشخص و منسجم» اتفاق نظر دارند. در توصیف نقیب‌زاده: «... یکی از نقصان‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی فقدان یک چهارچوب نظری مدون و شفاف بوده...» (نقیب‌زاده ۱۳۸۸، ص. ۳۶) و یا در توصیف هادیان: «... یکی دیگر از ضعف‌های وزارت خارجه ما نداشتن استراتژی است به این معنا که دید درازمدت نداشته و اهداف خود را کاملاً تدوین نمی‌کند» (هادیان، ۱۳۷۹، ص. ۲۱). همچنین برونداد «اهداف» سیاست خارجی بیش از «استراتژی» در توصیف پژوهشگران از وضعیت موجود مورد توجه قرار گرفته است. سریع‌القلم (۱۳۸۱) و (۱۳۷۹)، دهقانی فیروزآبادی (۱۳۸۱) و حاجی یوسفی (۱۳۸۴) پژوهشگرانی هستند که در توصیف خود از وضعیت موجود دستگاه دیپلماسی ج.ا.ایران بر برونداد «اهداف» تمرکز کرده‌اند. در توصیف آن‌ها از وضعیت برونداد «اهداف» به اتفاق، بر «وجود تعارض میان اهداف سیاست خارجی» تأکید شده است. سریع‌القلم با اشاره به «تعارض در اهداف سیاست خارجی ج.ا.ایران» می‌نویسد: «... بین عضویت در سازمان تجارت جهانی با مبارزه با آمریکا باید یکی را انتخاب کرد. این نشان‌دهنده تناقض است...» (سریع‌القلم، ۱۳۸۱، ص. ۷۱). وی در اثری دیگر، یکی از آسیب‌های مرتبط با اهداف سیاست خارجی ایران را متوجه اولویت‌بندی این برونداد دانسته و معتقد است: «انرژی سیاست خارجی کشور عمدتاً صرف دو هدف و اولویت شده

است: تأمین امنیت ملی و صیانت از نظام سیاسی ج.ا. ایران ... سیاست خارجی ایران در استخدام افزایش ثروت اقتصادی و مالی ایران قرار ندارد. اقتصاد ایران از یک سو و سیاست خارجی کشور از سوی دیگر، عمدتاً در دو ریل مختلف حرکت می‌کنند» (سریع القلم، ۱۳۹۰، صص. ۶۴؛ ۶۷).

۲-۴. شناسایی عوامل آسیب‌زا

در رویکرد آسیب‌شناسانه آثار مورد بررسی، «عوامل آسیب‌زا» به عواملی اشاره دارد که از نگاه پژوهشگران، موجب آسیب‌زایی یا آسیب‌رسانی به عملکرد دستگاه دیپلماسی و در نهایت، خروجی‌ها یا سیاست‌های نامطلوب می‌شوند. در متون مورد تحلیل، این عوامل در سه حوزه قابل‌شناسایی هستند: ۱- عوامل آسیب‌زای ادراکی/ذهنی - شناختی؛ ۲- عوامل آسیب‌زای نهادی/بوروکراتیک (مرتبط با ساختار و فرایند تصمیم‌گیری) و ۳- عوامل آسیب‌زای محیطی (محیط اجتماعی).^۱

جدول ۲: فراتحلیل عوامل آسیب‌زا در پژوهش‌های سیاست خارجی ج.ا. ایران

عوامل آسیب‌زا	متغیرها	نمونه داده	فراوانی
ذهنی - ادراکی/شناختی	ویژگی‌های ذهنی - شناختی نخبگان تصمیم‌گیر	«ذهن، قالب و فضای ذهنی افراد تصمیم‌گیرنده» (سیف - زاده، ۱۳۸۴)؛ «ذهنیات تصمیم‌گیرندگان» (نقیب‌زاده، ۱۳۸۸)؛ «فهم، باورها و نحوه پردازش ذهنی مفاهیم مرتبط با سیاست خارجی» (سریع القلم، ۱۳۹۰، ص. ۵۸).	۵

۱. Societal

۲	«عدم وجود توافق و اجماع میان نخبگان سیاست خارجی در زمینه تحلیل و شناخت وضعیت موجود» (هادیان، ۱۳۷۹، ص. ۱۹)؛ تنازع و تلون گفتمانی ... اختلاف نظر و کشمکش نخبگان و تصمیم گیرندگان (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۱، صص. ۲۰-۲۱).	نبود اجماع نظری میان نخبگان تصمیم گیر	
۱	«افراد و نیروهای غیرمسئول در سیاست گذاری خارجی» (نقیب زاده، ۱۳۷۸؛ ۱۳۸۴)؛	سطح تصمیم گیری فردی	
۴	«مراکز و ساختارهای موازی و متعدد در فرایند تصمیم گیری» (هادیان، ۱۳۷۹؛ دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۱؛ سریع القلم، ۱۳۹۰؛ دهشیری، ۱۳۸۳).	سطح تصمیم گیری نهادی	نهادی / بوروکراتیک
۴	«دخالت دادن فرهنگ و احساسات ملی ... در تصمیم گیری سیاست خارجی» (نقیب زاده، ۱۳۸۸؛ ۱۳۸۵؛ ۱۳۸۴؛ ۱۳۷۸)؛ متقی (۱۳۸۷؛ ۱۳۸۵).	عناصری از فرهنگ ملی	محیطی - اجتماعی
۲	«تحلیل و ورود توده گرایی در فرایند تصمیم گیری و تصمیم سازی در سیاست خارجی» (متقی، ۱۳۸۷؛ ۱۳۸۵).	توده گرایی	

منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۲-۱. عامل آسیب‌زای ذهنی - شناختی

عامل آسیب‌زای ذهنی - شناختی به‌طور مشخص، به ویژگی‌های ذهنی - شناختی افراد تصمیم‌گیرنده سیاست خارجی اشاره دارد. طبق داده‌های جدول شماره (۲)، از مجموع ۱۸ عامل آسیب‌زای شناسایی شده، به ترتیب ۷ مورد به عامل آسیب‌زای ذهنی - شناختی با متغیرهای: ویژگی‌های ذهنی - ادراکی نخبگان تصمیم گیر (با فراوانی ۵ مورد) و «نبود اجماع نظری/شناختی میان نخبگان تصمیم گیر» (با فراوانی

۲ مورد) اختصاص یافته است.

در آثار مورد بررسی، این عامل با عباراتی چون «ذهن، قالب ذهنی، فضای ذهنی» (سیف‌زاده، ۱۳۸۴) و «ذهنیات» (نقیب‌زاده، ۱۳۸۸)، «نحوه پردازش ذهنی» (سریع‌القلم، ۱۳۹۰) مورد اشاره قرار گرفته است. در توصیف ویژگی‌های ذهنی تصمیم‌گیران، پژوهشگران به شاخص‌هایی چون «فهم باورها و نحوه پردازش ذهنی مفاهیم مرتبط با سیاست خارجی» (سریع‌القلم، ۱۳۹۰، ص. ۵۸) و «تفسیر مفهوم قدرت به‌عنوان یک امر ذهنی-تصوری تا عینی-آماری نزد سیاست‌گذاران خارجی» (سریع‌القلم، ۱۳۹۰، ص. ۶۴) اشاره کرده‌اند. درباره «نحوه پردازش مفاهیم مرتبط با سیاست خارجی» و تأثیر آن بر عملکرد کشور در عرصه بین‌المللی، سریع‌القلم معتقد است: «بسیاری از ایرانیان، مفهوم قدرت و صاحبان قدرت را منفی می‌دانند و آن‌ها را با واژه‌هایی مانند ستم، حق‌کشی ... و از منظر تاریخی با غارت، نفوذ و دخالت در یک منظومه تعریف می‌کنند، به‌طور ناخودآگاه با قدرتمندان خارجی نیز مشکل دارند» (سریع‌القلم، ۱۳۹۰، ص. ۵۷).

شاخص دیگر، «عدم وجود اجماع نظری/شناختی» است که در عبارت «عدم وجود توافق و اجماع نسبت به تحلیل و شناخت وضعیت موجود میان نخبگان سیاست خارجی» (هادیان، ۱۳۷۹، ص. ۱۹)، «تنازع و تلون گفتمانی ... فقدان گفتمان سیاست خارجی واحد ... اختلاف نظر نخبگان و تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی» در عبارت «عدم شفافیت منافع ملی حاصل فقدان گفتمان سیاست خارجی واحد، اختلاف نظر و کشمکش نخبگان و تصمیم‌گیرندگان است...» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۱، صص. ۲۰-۲۱) اشاره شده است.

۴-۲-۲. عامل آسیب‌زای نهادی

اساساً ساختار یا نظام تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری به معنای سلسله‌مراتب و جایگاهی است که تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران و نهادهای تصمیم‌گیرنده و سیاست‌گذار در فرایند تدوین و اجرای سیاست خارجی رعایت می‌کنند. تصمیم‌گیری در سیاست خارجی توسط تصمیم‌گیران فردی، نهادها و سازمان‌هایی صورت می‌گیرد که در فرایند تصمیم‌گیری جایگاه و مرتبه مشخص و معینی دارند. اهمیت این تصمیم‌گیران فردی و نهادی به میزانی است که می‌توان گفت بروندادهای سیاست خارجی معلول تعامل، چانه‌زنی و مصالحه این بازیگران و نهادهای تصمیم‌گیرنده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸، ص. ۲۴۷).

در رویکرد آسیب‌شناسانه پژوهشگران، عامل آسیب‌زای نهادی به شناسایی عواملی اشاره دارد که به ساختار و فرایند تصمیم‌گیری سیاست خارجی مربوط می‌شوند. این عامل در دو سطح تصمیم‌گیری «فردی» و «نهادی» شناسایی شده است. طبق داده‌های جدول شماره (۲)، از مجموع ۱۸ عامل آسیب‌زای شناسایی شده، به ترتیب هفت مورد به عامل آسیب‌زای نهادی با متغیرهای: «سطح تصمیم‌گیری فردی» (با فراوانی ۱ مورد) و «سطح تصمیم‌گیری نهادی» با فراوانی ۴ مورد، اختصاص یافته است. در سطح «فردی» با عباراتی چون «نیروها یا عوامل غیرمسئول در سیاست‌گذاری خارجی» (نقیب‌زاده، ۱۳۷۸، ص. ۵۲)؛ «گروه‌ها و افراد» (نقیب‌زاده، ۱۳۸۴، ص. ۲۸۷) و سطح سازمانی با عبارات «مراکز متعدد» (هادیان، ۱۳۷۹، ص. ۱۸)؛ «مراکز و ساختار موازی و متعدد» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۱، صص. ۳۱-۳۰) توصیف شده است. نکته قابل توجه در توصیف دو سطح «فردی» و «نهادی» این است که هر دو سطح به‌عنوان افراد و سازمان‌های «غیرمسئول» توصیف شده است. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که تأکید پژوهشگران در شناسایی این عامل

آسیب‌زا بر ساختار غیررسمی شامل بازیگران حقیقی و حقوقی است که به صورت غیررسمی و غیرعلنی در روند تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری خارجی تأثیرگذار هستند.

پس از شناسایی عامل آسیب‌زای نهادی، پژوهشگران به سراغ توصیف عملکرد این عامل در دستگاه دیپلماسی ج.ا.ایران اشاره می‌کنند. این عملکرد عمدتاً ذیل سه ویژگی توصیف‌شده است: «مداخله» در اشاره به هر دو سطح فردی و نهادی و «تعدد» و «عدم تمرکز» در اشاره به سطح نهادی.

در توصیف عامل آسیب‌زای سطح فردی، نقیب‌زاده معتقد است: «یکی از عوامل بازدارنده در راه اتخاذ یک سیاست صحیح و اصولی... دخالت نیروها یا عوامل غیرمسئول در سیاست‌گذاری خارجی است» (نقیب‌زاده، ۱۳۷۸، ص. ۵۲). یافته‌ها نشان می‌دهد، اکثر توصیف‌ها از عملکرد این عامل آسیب‌زا، بر شناسایی و توصیف سطح «ساختاری- سازمانی» تمرکز دارد تا سطح «فردی». به‌طور نمونه، در توصیف هادیان از عملکرد سطح «ساختاری- سازمانی» آمده است: «مراکز متعددی مانند سپاه پاسداران، وزارت اطلاعات، وزارت خارجه و ... هر کدام به‌نوبه خود در مورد سیاست خارجی نظر دارند و تصمیم‌گیری و عمل می‌کنند» (هادیان، ۱۳۷۹، ص. ۱۸) و یا دهقانی فیروز آبادی (۱۳۸۱) بر وجود مراکز و سازمان‌های متعدد تصمیم‌گیری در امور سیاست خارجی تأکید دارند. همچنین سریع القلم به «کش و قوس‌های میان قوه مجریه و قوه مقننه موضوعات سیاست خارجی» (سریع القلم، ۱۳۹۰، ص. ۶۹) اشاره کرده است. نقیب‌زاده پیامد این عامل آسیب‌زا را «ایجاد آشفتگی عجیب در سیاست خارجی ایران» (نقیب‌زاده، ۱۳۸۴، ص. ۲۸۷) توصیف کرده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد، اکثر پژوهشگران به اتفاق، مهم‌ترین پیامد عامل آسیب‌زای ساختاری-

سازمانی بر عملکرد دستگاه دیپلماسی را «عدم هماهنگی در عرصه تصمیم‌گیری سیاست خارجی» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۱) توصیف کرده‌اند.

۴-۲-۳. عامل آسیب‌زای محیطی

عامل آسیب‌زای محیطی به عوامل اجتماعی اشاره دارد که به صورت درون‌داد (عامل تأثیرگذار یا به شکل تقاضا، حمایت و یا فشار) از محیط غیر حکومتی وارد محیط تصمیم‌گیری می‌شوند و با تحمیل خود بر فضای ذهنی- شناختی افراد تصمیم‌گیرنده، برون‌دادهای نهایی دستگاه دیپلماسی را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

طبق داده‌های جدول شماره (۲)، از مجموع ۱۸ عامل آسیب‌زای شناسایی‌شده، به ترتیب شش مورد به عامل آسیب‌زای اجتماعی با متغیرهای: «عناصری از فرهنگ ملی» (با فراوانی ۴ مورد) و «توده‌گرایی» (با فراوانی ۲ مورد) اختصاص یافته است. نقیب‌زاده (۱۳۸۸؛ ۱۳۸۵؛ ۱۳۸۴؛ ۱۳۷۸) و متقی (۱۳۸۷؛ ۱۳۸۵)، جزو پژوهشگرانی هستند که بیش از سایرین تمرکز خود را بر شناسایی و چگونگی تأثیرگذاری این عامل آسیب‌زا قرار داده‌اند. این عامل در آثار این پژوهشگران با متغیرهای «فرهنگ ملی» (نقیب‌زاده ۱۳۸۵؛ ۱۳۷۸) و «توده‌گرایی» (متقی، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۷) مورد اشاره قرار گرفته است. در رویکرد آسیب شناسانه نقیب‌زاده، با تأکید بر عامل آسیب‌زای «ویژگی‌های فرهنگ ملی» به شاخص‌های «ظلم‌ستیزی، مانویت‌گرایی، استقلال-خواهی، بیگانه‌ستیزی» و [مظلوم‌نوازی] در عبارت توصیفی «طرفداری از مظلوم» (نقیب‌زاده، ۱۳۸۵ و ۱۳۷۸)، به‌عنوان اجزاء و یا عناصر فرهنگ ملی اشاره می‌شود، درحالی‌که در شناسایی هر دو پژوهشگر از عامل آسیب‌زای اجتماعی، به شاخص «توده‌گرایی» اشاره شده است. همچنین در ارزیابی این دو پژوهشگر، وضعیت موجود عامل آسیب‌زای اجتماعی با متغیرهای «فرهنگ ملی» و «توده‌گرایی»

به ترتیب، این‌گونه توصیف‌شده است: «دخالت دادن فرهنگ و احساسات ملی و عواطف موجود در بطن جامعه در تصمیم‌گیری سیاست خارجی» (نقیب‌زاده، ۱۳۸۵، ص. ۵۵)، «انعکاس فرهنگ ایرانی در روحیه و رفتار رجال سیاسی و تصمیم‌گیرندگان» (نقیب‌زاده، ۱۳۸۵، ص. ۶۲)؛ «تحمیل توده‌گرایی در فرایند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در سیاست خارجی» (متقی، ۱۳۸۵، ص. ۶۵).

درباره چگونگی تأثیرگذاری این عامل بر فرایند سیاست‌گذاری خارجی ج.ا. ایران، نقیب‌زاده معتقد است که عامل آسیب‌زای «فرهنگ ملی» با شاخص‌های «ظلم‌ستیزی، مانویت‌گرایی (اعتقاد به نبرد نور و تاریکی / خیر و شر)، استقلال‌خواهی، بیگانه‌ستیزی و طرفداری از مظلوم» (۱۳۸۵ و ۱۳۷۸) از طریق «انعکاس در روحیه و رفتار رجال سیاسی و تصمیم‌گیرندگان» (نقیب‌زاده، ۱۳۷۸، ص. ۶۴) بر «رفتار و کردار خارجی ایران» اثر می‌گذارد. همچنین در چگونگی تأثیرگذاری این عامل آسیب‌زا با متغیر «توده‌گرایی»، متقی به تأثیرگذاری این متغیر از طریق «تحمیل خودش در فرایندهای تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی» (متقی، ۱۳۸۵، ص. ۶۵) اشاره کرده است.

از این‌رو، در رویکرد آسیب‌شناسانه هر دو پژوهشگر، عامل آسیب‌زای اجتماعی به‌عنوان یک متغیر مستقل، تأثیرگذاری خود را از طریق یک متغیر میانجی، یعنی نظام تصمیم‌گیری و به‌طور مشخص، تصمیم‌گیران بر عملکرد نهایی دستگاه دیپلماسی اعمال می‌کند. پس از شناسایی، توصیف و تبیین فرایند تأثیرگذاری عامل آسیب‌زای اجتماعی، پژوهشگران به پیامد این عامل بر رفتار سیاست خارجی ج.ا. ایران می‌پردازند. به‌طور نمونه، از نگاه نقیب‌زاده (۱۳۸۵)، «استقلال‌خواهی» به‌عنوان یکی از عناصر فرهنگ ملی ایران موجب شعاری شدن بیش‌ازحد رفتار

سیاست خارجی ایران در دوره بعد از انقلاب شده است. وی تجلی تأثیر این عامل را در «سیاست نه شرقی - نه غربی» اعلامی از سوی دولت ج.ا.ایران می‌داند. همچنین هر دو پژوهشگر، عامل آسیب‌زای اجتماعی با متغیر «توده‌گرایی» را موجب «ملتهب شدن»، «ایدئولوژیزه» و «رادیکالیزه شدن» سیاست خارجی ج.ا.ایران می‌دانند. متقی بر این باور است: «ورود توده‌گرایی به سیاست خارجی موجب ایدئولوژیزه شدن سیاست خارجی و در نتیجه «نخبه‌گرایی ناقص» می‌شود» (متقی، ۱۳۸۵، صص. ۶۸-۶۷). همچنین، تأکید بر منافع کوتاه‌مدت به جای بلندمدت در تصمیم‌گیری سیاست خارجی نخبگان را تحت تأثیر «نمادهای ایدئولوژیک گرایی در رابطه با توده‌گرایی» (متقی، ۱۳۸۵، ص. ۷۵) می‌داند و در جای دیگری نتیجه‌گیری می‌کند که «یکی از دلایل برگشت‌پذیری در سیاست خارجی ایران را می‌توان در نشانه‌های توده‌گرایی در این کشور جست‌وجو کرد» (متقی، ۱۳۸۷، ص. ۱۵۱).

۳-۴. ترسیم وضعیت مطلوب

وضعیت مطلوب به وضعیتی اشاره دارد که از نگاه پژوهشگران مورد بحث «انتظار می‌رود» و باید بر دستگاه دیپلماسی ج.ا.ایران حاکم باشد. وضعیت مطلوب، در واقع به بعد هنجاری در رویکرد آسیب‌شناسانه پژوهش‌ها اشاره دارد. در حالی که وضعیت موجود، توصیف وضعیتی است که «هست» و «وجود دارد»، وضعیت مطلوب، ترسیم وضعیتی است که «باید» باشد. در آخرین مرحله از فرایند ارزیابی عملکرد دستگاه دیپلماسی ج.ا.ایران پژوهشگران با ترسیم وضعیت مطلوب در چهار بعد شناختی، فرهنگی - اجتماعی، ساختاری - سازمانی و رفتاری، انتظارات مطلوب خود را از این دستگاه بیان می‌کنند.

جدول شماره ۳: فراتحلیل وضعیت مطلوب در پژوهش‌های سیاست خارجی

ج.ا.ایران

وضعیت مطلوب	متغیرها	نمونه داده	فراوانی
ذهنی - دراکی/شناختی	واقع‌گرایی	«اصلاح ذهنیات با قبول واقعیت روابط بین‌الملل و قدرت محوری آن» و «وداع با اندیشه‌های سیاه‌وسفید یا دوست و دشمن» (نقیب‌زاده، ۱۳۸۸، صص. ۵۰-۴۹)؛	۱
	لزوم وجود اجماع نظری/شناختی	«ضرورت وحدت گفتمانی در عرصه سیاست خارجی» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۱، ص. ۸)؛ «انسجام و همگونی گفتمانی... در بین نخبگان» (دهشیری؛ ۱۳۸۴، صص. ۴۵-۴۴) و «لزوم اجماع نظر میان نخبگان» (سریع‌القلم، ۱۳۷۶، صص. ۸-۱).	۳
	نبود اجماع شناختی/ذهنی میان نخبگان تصمیم‌گیر	«عدم وجود توافق و اجماع میان نخبگان سیاست خارجی از تحلیل و شناخت وضعیت موجود» (هادیان، ۱۳۷۹، ص. ۱۹)؛ «تنازع و تلون گفتمانی... اختلاف نظر و کشمکش نخبگان و تصمیم‌گیرندگان» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۱، صص. ۲۱-۲۰).	۲
نهادهی / بوروکراتیک	تمرکزگرایی	«تمام مسائل و امور سیاست خارجی باید فقط زیر نظر وزارت امور خارجه باشد» (نقیب‌زاده، ۱۳۷۸، صص. ۵۲-۵۳)؛ «تأسیس یک شورای روابط خارجی» (هادیان، ۱۳۷۹، ص. ۱۸)؛ «وجود یک ساختار تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری واحد و یکپارچه» (دهقانی فیروزآبادی،	۴

	<p>۱۳۸۱، ص. ۱۵)؛ «انفکاک ساختاری و تمایز کارکردی بخش‌ها، نهادها و بازیگران دخیل در دیپلماسی» (دهشیری، ۱۳۸۳، صص. ۶۲-۶۱).</p>		
۱	<p>«باید دخالت دادن این عوامل در سیاست خارجی به صورت عقلایی باشد... باید بتوانیم [این عوامل را] به گونه‌ای عقلایی در سیاست خارجی دخالت دهیم، پالایش کنیم و نوعی گزینش عامدانه در آن صورت بدهیم (نقیب‌زاده، ۱۳۸۵، صص. ۵۵).</p>	<p>پالایش عناصر فرهنگ ملی در فرایند سیاست‌گذاری خارجی</p>	<p>محیطی - اجتماعی</p>
۱	<p>«عدم تبعیت سیاست خارجی از سیاست داخلی» (متقی، ۱۳۸۵، صص. ۷۲-۶۹).</p>	<p>عدم تبعیت سیاست خارجی از محیط اجتماعی</p>	
۴	<p>«استراتژی موازنه مثبت فعالانه» (سیف‌زاده، ۱۳۸۴)؛ «استراتژی تعامل فعال، مؤثر و سازنده» (دهشیری، ۱۳۸۴)؛ «استراتژی سازنده با قدرت‌های بزرگ» (سریع‌القلم، ۱۳۹۰)؛ استراتژی «ائتلاف» (حاجی یوسفی، ۱۳۸۵).</p>	<p>استراتژی مطلوب</p>	<p>رفتاری</p>
۴	<p>«ایجاد توازن و سازگاری میان اهداف سیاست خارجی» (سریع‌القلم، ۱۳۸۱؛ ۱۳۷۹؛ دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۱؛ حاجی یوسفی، ۱۳۸۴).</p>	<p>اهداف مطلوب</p>	

منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۳-۱. وضعیت مطلوب ذهنی-شناختی

همان‌گونه که داده‌های جدول شماره (۳) نشان می‌دهد، از مجموع ۱۶ مورد مرتبط با جزء «ترسیم وضعیت مطلوب سیاست‌گذاری خارجی»، چهار مورد با متغیرهای: «واقع‌گرا بودن» با فراوانی ۱ مورد و «لزوم اجماع ذهنی/شناختی میان نخبگان تصمیم‌گیر» (با فراوانی ۳ مورد) به وضعیت مطلوب ذهنی-شناختی نخبگان تصمیم‌گیر اختصاص یافته است.

در مرحله ترسیم وضعیت مطلوب ذهنی-شناختی بر «واقع‌گرایی» و «لزوم وجود اجماع شناختی/ذهنی» در فرایند سیاست‌گذاری خارجی ج.ا. ایران تأکید شده که در متون مورد تحلیل با این عبارات بیان شده‌اند: «اصلاح ذهنیات با قبول واقعیت روابط بین‌الملل و قدرت محوری آن» و «وداع با اندیشه‌های سیاه‌وسفید یا دوست و دشمن» (نقیب‌زاده، ۱۳۸۸، صص. ۵۰-۴۹) به‌عنوان شاخص‌های «واقع‌گرا بودن» و «ضرورت و اهمیت وحدت‌گفتمانی در عرصه سیاست خارجی» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۱، ص. ۸)؛ «انسجام و همگونی گفتمانی... برداشت مشترک از مفاهیم و تحولات سیاست خارجی در بین نخبگان...» (دهشیری، ۱۳۸۴، صص. ۴۴-۴۵) و «لزوم اجماع نظر میان نخبگان» (سریع‌القلم، ۱۳۷۶، صص. ۸-۱)؛ در اشاره به «لزوم وجود اجماع».

۴-۳-۲. وضعیت مطلوب نهادی

در وضعیت مطلوب نهادی، پژوهشگران به ترسیم مطلوبیت‌هایی می‌پردازند که به ساختار و فرایند تصمیم‌گیری اشاره دارد. طبق داده‌های جدول شماره (۳)، از مجموع ۱۶ مورد مرتبط با جزء «ترسیم وضعیت مطلوب سیاست‌گذاری خارجی» دو مورد

به وضعیت مطلوب نهادی با متغیر «تمرکزگرایی» (با فراوانی ۴ مورد)، در مقابل وضعیت‌های نامطلوب «مداخله» و «عدم تمرکز» تأکید شده است. نقیب‌زاده معتقد است: «تمام مسائل و امور سیاست خارجی باید فقط زیر نظر وزارت امور خارجه باشد» (نقیب‌زاده، ۱۳۷۸، صص. ۵۳-۵۲). هادیان «تأسیس یک شورای روابط خارجی» (هادیان، ۱۳۷۹، ص. ۱۸) را پیشنهاد می‌کند. دهقانی فیروزآبادی بر «وجود یک ساختار تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری واحد و یکپارچه» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۱، ص. ۱۵) تأکید دارد و دهشیری «انفکاک ساختاری و تمایز کارکردی بخش‌ها، نهادها و بازیگران دخیل در دیپلماسی» را «با هدف ارتقای کارایی سیاست خارجی ج.ا.ایران» ضروری می‌داند (دهشیری، ۱۳۸۳، صص. ۶۲-۶۱).

۳-۳-۴. وضعیت مطلوب محیطی

وضعیت مطلوب محیطی به انتظارات مطلوب پژوهشگران موردبررسی در خصوص نحوه مواجهه تصمیم‌گیران با دروندادهای برآمده از محیط داخلی اجتماعی اشاره دارد. این دروندادها در توصیف پژوهشگران یکی از عوامل آسیب‌زای سه‌گانه توصیف‌شده‌اند که با تحمیل خود بر فضای ذهنی- ادراکی عملکرد نهایی مورد انتظار از دستگاه دیپلماسی را مختل می‌کنند.

طبق داده‌های جدول شماره (۳)، از مجموع ۱۶ مورد مرتبط با جزء «ترسیم وضعیت مطلوب سیاست‌گذاری خارجی» دو مورد به وضعیت مطلوب اجتماعی با متغیرهای: «پالایش عناصر فرهنگ ملی در فرایند سیاست‌گذاری خارجی» و «عدم تبعیت سیاست خارجی از محیط اجتماعی» هرکدام با فراوانی ۱ مورد اختصاص یافته است. نقیب‌زاده با تأکید بر وجود «احساسات ملی» به‌عنوان عوامل آسیب‌زای اجتماعی در تصمیم‌گیری هر کشوری معتقد است: «باید دخالت دادن این عوامل در سیاست

خارجی به صورت عقلایی باشد... باید بتوانیم [این عوامل را] به گونه‌ای عقلایی در سیاست خارجی دخالت دهیم، پالایش کنیم و نوعی گزینش عامدانه در آن صورت بدهیم (نقیب‌زاده، ۱۳۸۵، ص. ۵۵). متقی وضعیت مطلوب را از گذر تأکید بر «عدم تبعیت سیاست خارجی از سیاست داخلی» (متقی، ۱۳۸۵، صص. ۷۲-۶۹) ترسیم می‌کند.

۴-۳-۴. وضعیت مطلوب رفتاری

در مرحله آخر از آسیب‌شناسی فرایند سیاست‌گذاری خارجی ج.ا.ایران، پژوهشگران از طریق تجویز راهکارها، وضعیت مطلوبی را به قصد بهبود عملکرد دستگاه دیپلماسی ترسیم می‌کنند. طبق داده‌های جدول شماره (۳)، از مجموع ۱۶ مورد مرتبط با جزء «ترسیم وضعیت مطلوب سیاست‌گذاری خارجی» ۸ مورد به وضعیت مطلوب رفتاری با متغیرهای: «استراتژی مطلوب» و «اهداف مطلوب/اهداف سازگار و متوازن»، هر کدام با فراوانی ۴ مورد اختصاص یافته است.

در ارزیابی سیف زاده از عملکرد مطلوب سیاست‌گذاری خارجی ج.ا.ایران، «استراتژی موازنه مثبت فعالانه» باید جایگزین استراتژی موازنه منفی «نه شرقی - نه غربی» شود. در رویکرد وی، «استراتژی موازنه مثبت فعالانه،» به معنای ایجاد نوعی توازن و ائتلاف دوگانه میان روابط هم با کشورهای شمال و هم با کشورهای جنوب» است که به عنوان استراتژی/ رفتار مطلوب ترسیم شده است (سیف‌زاده، ۱۳۸۴). دهشیری، استراتژی مطلوب پیشنهادی خود را با عنوان «استراتژی تعامل فعال، مؤثر و سازنده» ترسیم کرده است. وی در توصیف و دفاع از استراتژی پیشنهادی خود بیان می‌دارد: «... استراتژی تعامل فعال، مؤثر و سازنده... بهترین گزینه فراروی سیاست خارجی ج.ا.ایران قلمداد می‌شود، چراکه در عین فراهم ساختن امکان

استفاده از منابع و فرصت‌های بین‌المللی، مستلزم پذیرش بی‌قیدوشرط نظم و نظام موجود نیست...» (دهشیری، ۱۳۸۴، صص. ۶۱-۶۰).

سریع‌القلم و حاجی یوسفی نیز از جمله پژوهشگرانی هستند که در رویکرد آسیب‌شناسانه خود بر ترسیم رفتاری/استراتژی مطلوب تمرکز کرده‌اند. در رویکرد هر دو، استراتژی «ائتلاف» به‌عنوان استراتژی مطلوب دستگاه دیپلماسی ج.ا.ایران پیشنهاد شده است. به اعتقاد سریع‌القلم، «جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به اهداف... خود نیاز به ائتلاف و اتحاد دارد. کشورها برای آنکه بتوانند به اهداف سیاست خارجی خود دست یابند به اتحاد و ائتلاف نیازمندند... در سایه طراحی «استراتژی سازنده با قدرت‌های بزرگ» ایران می‌تواند اقدام به پیگیری و اجرای ائتلاف‌های محدود سیاسی، اقتصادی در مدار اول [از اهداف سیاست خارجی] امنیت ملی خود نماید...» (سریع‌القلم، ۱۳۷۹، صص. ۵۳ و ۱۴۷ و ۶۷). حاجی یوسفی نیز همسو با سریع‌القلم بر پیگیری استراتژی «ائتلاف» به‌عنوان استراتژی مطلوب تأکید داشته و معتقد است: «... یکی از تجویزهای من ایجاد موازنه بین داخل و خارج است... ما باید در داخل و هم خارج نوعی موازنه به وجود بیاوریم... استراتژی «ائتلاف» ...» (حاجی یوسفی، ۱۳۸۵، ص. ۱۳۶).

علاوه بر استراتژی، برونداد «هدف» نیز در این مرحله از آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری ج.ا.ایران مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. پیش‌از این در بحث از توصیف وضعیت موجود با تأکید بر برونداد هدف نشان دادیم که پژوهشگران بر ویژگی‌هایی چون «تعارض، ناسازگاری، پارادوکس و نامتوازن بودن اهداف» (سریع‌القلم، ۱۳۸۱؛ ۱۳۷۹؛ دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۱؛ حاجی یوسفی، ۱۳۸۴) در اشاره به وضعیت موجود اهداف سیاست خارجی ج.ا.ایران اشاره دارند. حال، در ترسیم رفتار

مطلوب از برون‌داد هدف آن‌ها بر «ایجاد توازن و سازگاری میان اهداف سیاست خارجی» (سریع‌القلم، ۱۳۸۱؛ ۱۳۷۹؛ دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۱؛ حاجی یوسفی، ۱۳۸۴) تأکید کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

هدف مقاله حاضر فراتحلیل کیفی رویکرد آسیب‌شناسانه پژوهش‌های سیاست خارجی ج.ا. ایران بود. به‌منظور دستیابی به این هدف، مرورگران با انتخاب و درون‌گنجی هفده پژوهش، رویکرد آسیب‌شناسانه موجود در آن‌ها را ترکیب و یکپارچه کردند. یافته‌ها نشان می‌دهد، رویکرد آسیب‌شناسانه موجود در جامعه آماری پژوهش، در قالب یک سازه مفهومی با اجزای سه‌گانه: (۱) توصیف وضعیت موجود؛ (۲) شناسایی عوامل آسیب‌زای وضعیت موجود و (۳) ترسیم وضعیت مطلوب ترکیب شده است. بر اساس یافته‌های مرتبط با مرحله نخست، پژوهشگران تنها بر برون‌دادهای استراتژی و هدف تأکید کرده و دیگر برون‌دادها سیاست خارجی ایران مانند «ابزارهای تحقق اهداف»، «نقش‌های ملی» و «کنش‌ها» مورد ارزیابی قرار نگرفته‌اند.

همچنین بر اساس یافته‌های مرتبط با عوامل آسیب‌زا، تمرکز رویکرد آسیب‌شناسانه موجود در پژوهش‌ها بر عوامل شناختی / ادراکی، نهادی / ساختاری و محیطی غیر حکومتی / اجتماعی قرار گرفته و از شناسایی برخی عوامل آسیب‌زای محیط حکومتی با شاخص: ماهیت و نوع نظام سیاسی، ایدئولوژی و هویت نظام سیاسی و نیروهای متکثر با منافع متعارض در درون نظام سیاسی صرف‌نظر شده است. به‌طور نمونه، در یک پژوهش مروری از پژوهش‌های سیاست خارجی ایران، نویسندگان دریافته‌اند که ویژگی «جناح‌گرایی» به‌عنوان یک عامل آسیب‌زای سیستمی / سیستم سیاسی

داخلی، تأثیرات فزاینده منفی‌ای بر فرایند سیاست‌گذاری خارجی ج.ا.ایران از جمله، «ناتوانی در تدوین و پیگیری یک سیاست خارجی شفاف و پایدار و...» دارد (جزینی زاده و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۲۴۶).

همچنین استنباط فراتحلیل حاضر این است که رویکرد آسیب‌شناسانه در پژوهش‌های مورد تحلیل، تحت تأثیر مفروضات مدل تصمیم‌گیری سیاست خارجی «کنشگر عقلانی» نظر دارند، بدین معنا که آن‌ها هم در توصیف وضعیت موجود (تشخیص مرض)، هم شناسایی عوامل آسیب‌زا و نیز ترسیم وضعیت مطلوب (تجویز سیاستی) از مفروضات مدل مذکور که خود، ریشه در بنیان‌های هستی-روش‌شناسانه پارادایم واقع/عقل‌گرای روابط بین‌الملل دارد، بهره می‌گیرند. از این نظر، فرض مقاله حاضر همسو با نظر گراهام تی. آلیسون است، مبنی بر اینکه «پژوهشگران اغلب، هنگامی که می‌خواهند رویدادهای جهانی را تفسیر کنند، از چارچوب مدل کنشگر عقلانی پیروی می‌کنند (Allison, 1968, p. 7). از منظر پارادایم عقل‌گرا، دولت‌ها کنشگرانی عقلانی هستند که برای بیشینه‌سازی منافع مادی خویش تلاش می‌کنند. از منظر این مدل، در فرایند تصمیم‌گیری سیاست خارجی، تصمیم‌گیرنده اصلی یک کنشگر واحد، یکپارچه و عقلانی به نام دولت یا حکومت ملی است با مجموعه‌ای از اولویت‌ها (به معنای مجموعه‌ای از باورها درباره منافع ملی) که هنگام روبرو شدن با تهدیدات و فرصت‌های در حال ظهور در صحنه بین‌الملل که او را وادار به عمل می‌کنند، دست به انتخاب کنشی می‌زند که به اهداف از پیش تعیین‌شده پیوست شده به مسئله مورد تصمیم‌گیری بیشترین خدمت را کند (Allison and Zelikow, 1999).

از این رو، فراتحلیل حاضر مدعی است، رویکرد آسیب‌شناسانه در پژوهش‌های

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر پیش‌انگاره‌های مدل تصمیم‌گیری کنشگر عقلانی بنا شده است. به‌طور نمونه، در توصیف پژوهشگران مورد بررسی از ترسیم وضعیت مطلوب با تأکید بر برونداد «هدف» با مترادف دانستن اهداف سیاست خارجی با منافع ملی، مفاهیمی مفروض تلقی می‌شوند که «... در صورت تزامن میان منافع ملی و مصالح اسلامی، لزوماً باید یکی بر دیگری ترجیح داده شود...» (حاجی یوسفی، ۱۳۸۴، ص. ۹۱۱). همچنین در اغلب آثار در بحث از وضعیت مطلوب نهادی، بر وجود یک تصمیم‌گیری واحد و یکپارچه تأکید دارند، گرچه برخی از آن‌ها از نهاد یا سازمان خاصی به‌عنوان واحد مطلوب تصمیم‌گیرنده سیاست خارجی نام می‌برند، اما در ترسیم آن، این مفروضه مدل کنشگر عقلانی را در نظر دارند که دولت‌ها را کلیتی واحد و یکپارچه در فرایند تصمیم‌گیری سیاست خارجی می‌انگارد.

قابل ذکر است که در شناسایی عوامل آسیب‌زای وضع موجود، آنجا که پژوهشگران بر دخالت ندادن دروندادهای برآمده از محیط داخلی غیر حکومتی بر فرایند تصمیم‌سازی تأکید دارند، می‌توان ادعا کرد که اصل «عدم دنباله‌روی سیاست خارجی از داخلی» را که جزو مفروضات پارادایم واقع/عقل‌گرا که مدل کنشگر عقلانی نیز از آن تغذیه می‌شود، مدنظر دارند.

به نظر می‌رسد، مدل کنشگر عقلانی بیش از هر چیز، مدلی هنجاری است، بدین معنا که هدف اصلی آن جهت‌دهی تصمیم‌گیرنده به‌سوی اهمیت برنامه‌ریزی عقلانی در تصمیم‌گیری سیاست خارجی است، نه توصیف آنچه به‌طور واقعی در بستر تصمیم‌گیری رخ می‌دهد که احتمالاً ترکیبی از متغیرهای عقلانی، سازمانی و دیوانسالارانه (موجود در مدل‌های سه‌گانه آلیسون) و البته، شناختی (مورد بحث در

رهیافت‌های شناختی / ادراکی) است. از این رو، می‌توان ادعا کرد که به‌کارگیری مدل کنشگر عقلانی در رویکرد آسیب‌شناسانه پژوهشگران موردبررسی، علاوه بر فراهم آوردن بنیان نظری این رویکرد، بلکه به‌عنوان یک مدل هنجاری به آن‌ها در دستیابی به هدف اصلی‌شان، یعنی کمک به بهبود عملکرد دستگاه دیپلماسی ج.ا.ایران از گذر توصیف وضع موجود و ترسیم وضع مطلوب کمک می‌کند، اما از منظر نظری رویکرد آسیب‌شناسانه چنانچه بخواهد جایگاه و سهم خود را در ادبیات و پژوهش سیاست‌گذاری خارجی ج.ا.ایران از حوزه نقد به‌موازات تریبون‌های روشنفکری و رسانه‌ای متمایز سازد، نیاز است تقویت شود. از این رو، توصیه مقاله این است که در آسیب‌شناسی فرایند سیاست‌گذاری خارجی ج.ا.ایران، لازم است در کنار توسل به نظریه‌های روابط بین‌الملل و تحلیل سیاست خارجی، با بهره‌گیری از حوزه‌های بین‌رشته‌ای به‌ویژه، سیاست‌گذاری عمومی و مدل‌های تحلیل سیاستی این حوزه، این رویکرد را تقویت کرد.

در پایان، دو مزیت را می‌توان برای رویکرد آسیب‌شناسانه موجود در ادبیات سیاست خارجی ج.ا.ایران تصور کرد. مزیت نخست، شکل‌گیری یک فضای نقد در حوزه پژوهش و تحلیل سیاست خارجی ج.ا.ایران است که در کنار تریبون‌های متعلق به حوزه‌های روشنفکری و رسانه‌ای، سهم ویژه خود را از حوزه فعالیت‌های دانشگاهی خواهد داشت که این فضای نقد، علاوه بر افزودن به غنای ادبیات نظری-پژوهشی سیاست خارجی ج.ا.ایران یک مزیت کاربردی را نیز در پی دارد؛ از این نظر که رویکرد آسیب‌شناسانه، خود می‌تواند به‌عنوان یک درون‌داد برآمده از محیط اجتماعی (دانشگاهی) فرض شود که با شناساندن زمینه‌ها و عوامل آسیب‌رسان که منجر به تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری نامناسب می‌شوند، به تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران

خارجی ج.ا.ایران در بهینه‌سازی فرایند سیاست‌گذاری و عملکرد دستگاه دیپلماسی این دولت مؤثر باشد و چه‌بسا به‌تدریج بتواند زمینه دموکراسی‌سازی دستگاه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری خارجی را در ایران فراهم آورد، بدین معنا که بروندهای این دستگاه صرفاً بازتاب‌دهنده منافع و ابتکار عمل نخبگان سیاسی، بازیگران نهادی و جناح‌ها و گروه‌بندی‌های سیاسی نباشد، بلکه باید حاصل یک نگاه همسو، اما نه یکسان از منافع ملی برآمده از مباحث ملی در سطح جامعه باشند؛ پیش‌شرطی که برخی پژوهشگران آن را برای شکل‌گیری فرایند «سیاست خارجی موفق» اجتناب‌ناپذیر می‌دانند و بر اساس آن، مدل تصمیم‌گیری «گرداگرد میز» را توصیه می‌کنند. این مدل بر این فرض استوار است که علاوه بر بازیگران رسمی، حضور بازیگران غیررسمی در اطراف میز، موجب می‌شود تا آن‌ها نقش خود را در تولید سیاست‌های عمومی و خارجی ایفا کنند.

پی‌نوشت‌ها

۱. نتایج مطالعه مشیرزاده و همکاران (۱۳۹۳) بخشی از این ادعا را تأیید می‌کند. بر اساس یافته‌های این مطالعه، از ۱۳۵ مقاله علمی- پژوهشی داخلی منتشرشده در حوزه پژوهش سیاست خارجی ج. ا. ا.، در سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۹۲، «واقع‌گرایی»، به‌عنوان چارچوب نظری به کار گرفته‌شده، با ۳۴ مورد و ۲۵ درصد از حجم کل مقالات در جایگاه اول از هشت رویکرد نظری به کار گرفته‌شده در این آثار است.
۲. پژوهش‌های واردشده در فراتحلیل حاضر، با نشانه * از دیگر منابع متمایز شده‌اند.

منابع

الف: فارسی

- اسلامیان، مجتبی و حبیبی، رحمان (۱۳۹۹). اقتصاد سیاسی در سیاست خارجی ج.ا.ایران؛ با تأکید بر سیاست خارجی دولت توسعه‌گرا. فصلنامه روابط خارجی، سال دوازدهم، (شماره ۲)، صص. ۳۶۵-۳۳۷.
- اسلامی، روح‌الله و اکبری، زهرا (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر سامانه‌های نهادی معرفتی. فصلنامه راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۱۰، (شماره ۳۵)، صص. ۲۶-۲.
- جان‌پرور، محسن و حیدری‌موسلو، طهمورث (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی فضای سایبر بر امنیت اجتماعی. فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، سال چهارم، (شماره ۳)، صص.

۱۴۱-۱۷۲.

جزینی زاده، اکرم؛ شیخ زاده جوشانی، صدیقه؛ کمالی، یحیی (۱۳۹۷). جناح گرایی و تأثیر آن بر فرایند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۸، (شماره ۲۸)، صص. ۲۴۸-۲۲۹.

حاجی یوسفی، امیر محمد (۱۳۸۴). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: محدودیت‌ها، فرصت‌ها و فشارها. فصلنامه سیاست خارجی، سال هفدهم، (شماره ۴)، صص. ۸۸۹-۹۱۴.

حاجی یوسفی، امیر محمد (۱۳۸۵). نظام بین‌الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، در: مجموعه مقالات نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نسرین مصفا با همکاری حسین نوروزی، تهران: مطالعات سیاسی و بین‌المللی، صص. ۱۳۶-۱۲۷.

خادم زاده، جواد؛ ایزدی، جهانبخش؛ سلطانی، علیرضا (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی ساختاری دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۹، (شماره ۳۴)، صص. ۱۰۸-۱۴۱.

دهشیار، حسین (۱۳۸۱). چارچوب تئوریک سیاست خارجی موفق. فصلنامه سیاست خارجی، سال ۱۶، (شماره ۴)، صص. ۱۰۵۰-۱۰۳۱.

دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۴). الزامات فرازوی سیاست خارجی جمهوری اسلامی، ایران در پرتو سند چشم‌انداز بیست‌ساله. فصلنامه پژوهشی اندیشه انقلاب اسلامی، (شماره ۱۳ و ۱۴)، صص. ۶۶-۴۱.

دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۳). نگاهی کوتاه به کارنامه نظام جمهوری اسلامی ایران در حوزه سیاست خارجی. فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، سال هشتم، (شماره ۲۳ و ۲۴)، صص. ۶۱-۳۱.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۱). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: روندها و بازتابها. فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال نهم، (شماره ۳)، صص. ۴۰-۱. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۸). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات سمت.

ساجدی، امیر و خوشینانی مطهری، مصطفی (۱۳۹۲). آسیب‌شناسی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایران: مطالعه موردی برنامه هسته ای ایران. فصلنامه مطالعات سیاسی، سال ۶، (شماره ۲۱)، صص. ۱۳۷-۱۶۶.

سریع‌القلم، محمود (۱۳۹۰). مفهوم قدرت و عملکرد سیاست خارجی: مقایسه چین و ایران. فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، (شماره اول)، صص. ۷۴-۴۹.

سریع‌القلم، محمود (۱۳۷۶). قرن هجدهم و تجدید نظر در استراتژی ملی. فصلنامه مطالعات خاورمیانه، (شماره ۱۰ و ۱۱)، صص. ۸-۱.

سریع‌القلم، محمود (۱۳۷۹). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

سریع القلم، محمود (۱۳۸۱). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: نقد نظری و طرح ائتلاف. فصلنامه مجلس و پژوهش، سال نهم، (شماره ۳۵)، صص. ۶۶-۸۲.
سیف زاده، حسین (۱۳۸۴). آسیب‌شناسی سیاست خارجی ایران و چارچوبی برای ساماندهی طرز تلقی‌ها. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۹، صص. ۱۹۸-۱۵۵.

شمس مورکائی، غلامرضا؛ صفایی موحد، سعید؛ فاطمی صفت، علی (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی فعالیت‌های آموزش و بهسازی منابع انسانی بر اساس مدل سه شاخگی (مورد مطالعه: صنایع الکترونیکی فجر). فصلنامه آموزش و توسعه منابع انسانی، سال دوم، (شماره ۷)، صص. ۷۱-۱۰۰.
علوی، سمانه (۱۳۹۵). ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای سند چشم‌انداز بیست‌ساله و سیاست‌های کلی نظام. فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال ۴، (شماره ۱۵)، صص. ۱۴۳-۱۶۳.

قریب، حسین و ضمیریان، محمدحسین (۱۳۸۹). الزامات دینی و تأملات عقلانی در سیاست‌گذاری خارجی (مطالعه موردی: اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران). جستارهای سیاسی معاصر، دوره ۱، (شماره ۱)، صص. ۱۵۷-۲۰۰.

قیصری، محمد؛ نقدی پور، محمود؛ باقری، علیرضا (۱۴۰۰). نخبگان سیاسی و صورت‌بندی گفتمانی اعتدال در سیاست خارجی ج.ا.ایران (۱۳۹۲-۱۴۰۰). فصلنامه روابط خارجی، سال سیزدهم، (شماره ۴)، پیاپی ۵۲، صص. ۹۰۳-۹۳۵.

متقی، افشین و قره بیگی، مصیب (۱۳۹۳). چالش‌های گفتمان سیاست خارجی ایران در راستای دگرگشت‌های نوپدید در سامانه ژئوپلیتیک جهانی. فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال دوم، (شماره ۸)، صص. ۱۳۷-۱۵۰.

متقی، ابراهیم (۱۳۸۷). عوامل و روند برگشت‌پذیری در سیاست خارجی ایران، در: مجموعه مقالات سیاست خارجی دولت توسعه‌گرا، محمود واعظی و مسعود موسوی شفاپی، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.

متقی، ابراهیم (۱۳۸۵). رویکردهای نخبگان در فرایندهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی در: نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نسرين مصفا همکاری حسین نوروزی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، صص. ۶۵-۷۶.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۶). آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری خارجی: مبانی نظری. سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۳، شماره ۱، صص. ۹-۲۷.

مشیرزاده، حمیرا؛ عباسی خوشکار، امیر؛ محروق، فاطمه (۱۳۹۳). پژوهش‌های سیاست خارجی در ترازو: تحلیل مقالات علمی درباره سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه روابط خارجی، ۶ (پیاپی ۲۴)، صص. ۷-۳۷.

نقیب زاده، احمد (۱۳۷۸). تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی: مورد جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه سیاست خارجی، سال سیزدهم، (شماره ۳)، صص. ۶۳۷-۶۵۰.

- نقیب زاده، احمد (۱۳۸۴). تأثیر نیروهای اجتماعی بر سیاست خارجی. فصلنامه سیاست خارجی، سال نوزدهم، (شماره ۲)، صص. ۲۶۷-۲۹۰.
- نقیب زاده، احمد (۱۳۸۵). نقش عوامل ذهنی در جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، صص. ۵۳-۶۴.
- نقیب زاده، احمد (۱۳۸۸). چالش‌های نظری و عملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه روابط خارجی، سال اول، (شماره ۲)، صص. ۳۳-۵۵.
- هادیان، ناصر (۱۳۷۹). ارزیابی سیاست خارجی ایران بعد از دوم خرداد. فصلنامه مطالعات خاورمیانه، (شماره ۲۱)، صص. ۷-۴۷.
- هالستی، کالوی. یاکو (۱۳۷۶). مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل. ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم سری، چاپ دوم، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- هیل، کریستوفر (۱۳۸۷). ماهیت متحول سیاست خارجی. ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

ب: انگلیسی

- Adesina, O. S. (2017). Foreign policy in an era of digital diplomacy. *Cogent Social Sciences*, 3(1), 1297175.10.22085/javm.2020.204104.1411.
- Allison, Graham. Tillett and Zelikow. P. (1999). *Essence of Decision: Explaining the Cuban Missile Crisis*, New York: Longman.
- Allison, Graham. Tillett. (1968). *Conceptual Models And The Cuban Missile Crisis: Rational Policy, Organization Process, And Bureaucratic Politics*, California: The Rand Corporation, Available at: -<https://www.tand.org/content/dam/rand/pubs/papers/2008/93919.Pdf>.
- Baldwin, D. A. (2000). "Success and Failure in Foreign Policy", *The Annual Review Political Science*, (No3), pp:167-182.
- Hermann, Charles. F. (2021). Chapter 12: Foreign Policy, Available at: <http://www.voxprof.com/cfh/hermann-pubs/Hermann-Foreign%20Policy>.